

متن کامل سخنرانی رییس جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه کلمبیا

متن کامل سخنرانی دکتر محمود احمدی نژاد در جمع دانشگاهیان دانشگاه کلمبیا
به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر اعوانه

و انصاره و المستشهدین بین یدیه

رییس محترم و دانشگاهیان عزیز، اساتید و دانشجویان

ابتدا سلام عرض می‌کنم و خداوند عزیز حکیم را شاکرم که توفیق حضور در یک محیط علمی و در جمع جویندگان حقیقت و پژوهشگران عرصه علم و معرفت را عنایت فرمود. می‌خواهم در این جلسه ارزشمند درباره ارزش علم و عالم با شما سخن بگویم. اساتید و علما، چراغهای فروزانی هستند که هر کدام در عرصه، نورافشانی و وادیهای تاریک و مبهم را روشن می‌کنند و بشر را از سردرگمی و جهل نجات می‌دهند. کلیدهای فهم واقعیتهای جهان در دست دانش پژوهان و معرفت جویان است. عرصه های کشف نشده و عوالم ناپیدا و علوم دست نیافته اندازه ندارد و پنجره های بسته با مجاهدت و تلاش عالمان به سوی حقایق گشوده می‌گردد. با هر تلاش دریچه ای باز می‌شود و حقیقتی مکشوف می‌گردد. در هر زمان که شأن رفیع علم و معرفت محفوظ مانده و عالمان و محققان با

احترام و تکریم مواجهه بوده اند بشر گامهای بلندی در تعالی و کمال مادی و معنوی برداشته است و بالعکس در هر دوره که علم و عالم مغضوب و منفور بوده اند، آن دوره ها در تاریخ بشر، تاریک بوده و بشریت در زندان جهل و غفلت خود محبوس مانده است. اگر فطرت بشر که رمز تداوم حقیقت جویی و تلاش برای کشف حقایق است نبود، انسان در اسارت جهل باقی می ماند و راههای سعادت بشر مفتوح نمی شد. فطرت ودیعه ماندگار خداوند تعالی در نهاد انسان است.

همان خدایی که بشریت را به جهان آورد و معرفت را اولین و بزرگترین هدیه خویش به او معرفی کرد تا بشر بتواند او را بشناسد. در داستان حضرت آدم (ع) محاجه ای بین ملائکه و خداوند در گرفت. آنان بشر را موجودی سفاک و ماجراجو پنداشتند و به خداوند اعتراض کردند، پاسخ این بود من می دانم چیزی را که شما نمی دانید. آن گاه خداوند حقایق عالم را به آدم آموخت و او به فرمان خدا آنان را بر ملائکه عرضه کرد. آنان از درک حقایق عاجز ماندند و سپس خداوند فرمود نگفتم من عالم غیب آسمانها و زمین هستم، این چنین بود که آدم مسجود ملائکه شد. در مأموریت همه انبیاء الهی سخن اول تلاوت آیات و نشانه های حق و تعلیم کتاب و حکمت همراه با تزکیه و پاکی بوده است و در مورد حضرت عیسی آمده است: «و یعلمه الكتاب والحکمه و التوریه و الانجیل و رسولا الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بابه من ربکم» یعنی به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد و او پیامبر به سوی بنی اسرائیل است به راستی که من از جانب خدا نشانه ای آورده ام. قرآن کریم سوره علق اولین کلامی که بر پیامبر اسلام نازل شد دستور به خواندن بود. اقرا باسم ربک الذی خلق (بخوان به نام پروردگارت که خلق کرد) و در ادامه فرمود اقرا و ربک الاکرم (بخوان به نام پروردگارت که گرامی ترین است) الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم (او که با قلم آموخت و آموخت به انسان آنچه را نمی دانست)

ملاحظه می فرمایید که در چند آیه ای که اول بار بر پیامبر اسلام نازل شد بحث از قرائت، تعلیم و قلم است و این آیات خداوند را به عنوان معلم انسان معرفی می کند معلمی که به انسان هر چه را که نمی دانست آموخت. در بیانی دیگر رسالت پیامبر اسلام را این طور بیان می فرماید که او کسی است که از بین مردم عامی پیامبری را از خودشان برانگیخت تا

آنان را از آلودگیهای فکری و اعتقادی و اخلاقی پاک کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد. تمام سخن و پیام انبیاء الهی عبور دادن انسان از تاریکیهای جهل، غفلت خرافه، اخلاق ناصواب و اندیشه های نادرست به سوی علم، معرفت، نور و اخلاق صحیح است. علم را به نور معنا و تعریف کرده اند، علم یعنی روشنایی و علم حقیقی علمی است که بشر را از گمراهی نجات دهد و نافع به حال او باشد. در یکی از تعابیر بلند آمده است که علم نوری است که خداوند در قلب کسانی که بخواهد می افکند.

در این بیان علم هدیه ای الهی و قلب جایگاه این هدیه معرفی شده است. اگر قبول کنیم که علم به مفهوم نور است آنگاه دایره آن از حوزه علوم تجربی فراتر می رود و هر حقیقت پیدا و پنهانی را شامل می شود. یکی از ستمهای بزرگ به علم، محدود کردن دایره آن به علوم تجربی بوده است در حالی که گستره علم بسیار وسیعتر است. حقایق عالم محدود به حقایق مادی نیست و ماده سایه ای از حقیقت بالاتر است و خلقت مادی تنها یک طبقه از خلقت عالم، است. انسان نمونه ای از خلقت است که جمع ماده و روح است و روح و جوهر انسانی بر مادیت و جسم او غلبه دارد. نکته بسیار مهم دیگر ارتباط علم با پاکیزگی روح و جان و اخلاق و رفتار است. در تعلیمات انبیاء الهی یک حقیقت همواره باید مقارن و مصاحب یعنی همیشه همراه علم باشد و آن پاکی روح و اخلاق نیکو است. علم و معرفت با معنای وسیعی که گفتم یک حقیقت زلال و پاک است. علم روشنایی است، کشف است و آن عالم و پژوهشگری می تواند به این حقیقت دسترسی یابد که او هم پاک و زلال باشد و اندیشه های غلط، اوهام و خرافات و یا وابستگیهای مادی و خودخواهیها مانع او از ادراک و پذیرش حقایقی که کشف می شوند، نگردد.

دوستان عزیز، فرهیختگان، حضار محترم؛ علم و معرفت آفاتی نیز دارد. شاید بزرگترین آفت آموختن و یاددادن و اندیشه و تحقیق، خودخواهیها و آلودگیها و وابستگیهای مادی و منافع شخصی باشد. دلبستگیهای مادی، انسان را در نقطه مقابل حقایق عالم قرار می دهد، انسان آلوده و وابسته در پذیرش حقیقت مقاومت می کند حتی اگر آن را پذیرفت در برابر آن تمکین و از آن تبعیت نمی کند. بسیاری عالمانی که حقایق را می دانند اما به آن ایمان نمی آورند و خودخواهیها اجازه نمی دهد حقیقت را قبول کنند. آیا کسانی که در طول

تاریخ بشریت، جنگها را تحمیل کرده اند از درک این حقیقت که جان و مال و ناموس و سرزمین و حقوق انسانها محترم است عاجز بوده اند یا اینکه می دانسته اند اما به آن ایمان نیاورده و در برابر آن تمکین نمی کردند. تا قلب انسان خالی از کینه، حسد و خودخواهی نشود، در برابر حقیقت، روشنایی و علم تمکین نمی کند. علم نوری است که حامل آن باید پاک و منزّه باشد. اگر بشریت به بالاترین علوم مادی و معنوی دسترسی پیدا کند اما علما و دانشمندان پاکیزه نباشند آن را در خدمت بشریت قرار نخواهند داد آن گاه ممکن است چند حالت اتفاق بیافتد.

۱. تنها بخشی از حقایق را که به نفع آنان است در اختیار مردم قرار دهند و بخشهایی از آن را کتمان کنند چنان که حتی بعضی از علمای ادیان الهی در گذشته چنین کردند و متأسفانه امروز نیز برخی از پژوهشگران و دانشمندان حقایقی را از مردم پنهان می کنند.

۲. علم و عالم در خدمت منافع شخصی، گروهی و حزبی قرار گیرد مع الاسف در جهان امروز قدرتمندان زورگو بسیاری از عالمان و علوم مختلف را در اختیار خویش گرفته اند تا ملتها را چپاول کنند و همه فرصتها را در انحصار خود بگیرند. شما می بینید:

– با استفاده از ابزار و شیوه های علمی ملتها را فریب می دهند. اقدامات خود را توجیه می کنند، برای آنان دشمنان فرضی و فضای ناامنی و ترس ایجاد می کنند تا به نام مبارزه با ناامنی و تروریسم همه امور را تحت کنترل خود بگیرند. آزادیهای فردی و اجتماعی ملت خود را نیز نقض می کنند و حتی به حریم خصوصی افراد هم احترام نمی گذارند، تلفنها را شنود و رفت و آمدها را کنترل و ناامنی روانی ایجاد می کنند و با استفاده از چنین فضایی اقدامات جنگ طلبانه خود در نقاط مختلف دنیا را توجیه می کنند.

– با استفاده از شیوه ها و برنامه ریزیهای علمی و دقیق، فرهنگهای بومی را که حاصل هزاران سال تلاش، تعامل و خلاقیت و هنرورزی ملتهاست مورد حمله قرار می دهند. تلاش می کنند با نابودی آن، مردم را بی هویت و رابطه آنان را با تاریخ و ارزشهای خود قطع نمایند. با القاء خصلتها و روشهایی که ملتها را به ذلت تقلید و مصرف گرایی، سلطه پذیری، ترس، احساس حقارت و ناتوانی می کشاند زمینه را برای به یغما بردن منابع مادی و معنوی آنان فراهم می کنند.

۲۱۵

- ساخت بمبها و سلاحهای مخرب اتمی، میکروبی و شیمیایی نتیجه دیگری از دست اندازی قدرتهای بزرگ به ساحت علم و تحقیق است. اگر نبود همکاری برخی از عالمان و محققان نسلهای مختلف بمبهای اتمی و میکروبی، شیمیایی و نوترونی تولید نمی شد. آیا سلاحهای مزبور برای دفاع از امنیت جهانی است؟ برافراشتن چتر تهدید دائمی اتمی چه دستاوردی برای بشریت دارد؟ اگر جنگ اتمی بین قدرتها رخ دهد چه فاجعه بشری اتفاق خواهد افتاد. آثار تشعشعات بمبهای ناکازاکی و هیروشیما در نسلهای جدید مردم آن مناطق هم دیده می شود و معلوم نیست تا چند نسل دیگر ادامه خواهد داشت. آثار تشعشعات اورانیوم ضعیف شده مصرفی در ابتدای جنگ در عراق روی مردم می تواند محل مطالعه و تحقیق باشد. این فجایع بشری وقتی اتفاق می افتد که علم عالمان در خدمت ظالمان قرار گیرد.

دانشگاهیان محترم؛ خداوند، پاکان، پیامبران و صالحان را شایسته دریافت علم و معرفت قرار داد چون می دانست علم هم نور و هدایت و ابزار خدمت به بشریت است و هم می تواند حجاب و سلاحی علیه بشریت باشد، از این رو سفارش فرمود که آموختن با پاکی و صداقت هم نشین باشد. در رسالت پیامبران، هم پالایش و تزکیه و زدودن خودخواهیها و دنیا طلبیها و هم تبلیغ کتاب و علم و حکمت را قرار داد. اگر علم و پاکی با هم قرین شود، هم عالم، علم را بهتر دریافت می کند و هم مردم از علم او به درستی منتفع می شوند. اگر تاریخ را ملاحظه کنید هر چه خوبی و خیر به بشریت رسیده است از ناحیه عالمان پاکیزه است همانها که علم و معرفت خویش را در خدمت بشریت قرار داده اند و هدف آنان روشن کردن راه و کشف حقایق و کمک به سعادت و کمال بشریت بوده است. این عالمان هر چه در علم جلوتر رفته اند نسبت به مردم تواضع بیشتری داشته و از اخلاق نیکوتری برخوردار بوده اند. معمولا علمای پاک اخلاق و پاک رفتار، رهبران فکری، معلمان اخلاق و مصلحان بشر نیز بوده اند. همه مصلحان بشریت ابتدا عالمان و معلمان خوبی بوده اند. در روایتی از بزرگان دینی آمده است آن هنگام که عالم فاسد شود عالم به فساد کشیده می شود و اگر عالم صالح باشد عالم درست می شود. علم دریچه ای به سوی خدا و میوه آن عمل است. عالمان باید در قبال علم خود احساس مسوولیت کنند. عالمان بی عمل مانند درختان

بی ثمر هستند، عالمان حقیقی در برابر نابسامانیها، رنجها و بی عدالتیها ساکت نمی نشینند و علم خود را ظاهر و مردم را آگاه می سازند. عالمان در برابر ستمگران و زورگویان پیا می خیزند و اجازه نمی دهند جاهلان دروغ بگویند و مردم را فریب دهند و حقوق آنان را ضایع کنند. ساحت علم یک ساحت قدسی و الهی و علم امانت خداوند جهان است. ورود ناپاکان به این عرصه، ظلم به بشریت است. قدرتمندان زورگو هم علم را به نفع مطامع خود مصادره می کنند و هم با زورگویی اجازه نمی دهند عالمان و اندیشمندان وارد عرصه هایی شوند که کشف حقایق در آن عرصه ها موجب رسوایی آنان می شود. این شرم آور است که قوانینی تصویب می شود که طبق آن، تحقیق در مورد برخی وقایع تاریخی ممنوع می شود و محققینی که در آن عرصه ها وارد شوند مجرم شناخته و به تحمیل زندان یا پرداخت جریمه محکوم می گردند.

بزرگترین و واضح ترین حقیقت جهان، خداست. همه عالم و هر چه در اوست، نشانه اوست و درعین حال باب تحقیق و مطالعه در اصل وجود خداوند همچنان باز است و کسی را به جرم مطالعه و تحقیق در بود و نبود خدا محاکمه و زندانی نمی کنند و چه بسیار کسانی که با مطالعه و تحقیق به خدای بزرگ ایمان می آورند. در معارف اسلامی آمده است که شک مقدمه یقین است مشروط بر اینکه انسان در آن متوقف نماند. بنابراین، چه اشکالی دارد که اجازه دهند در وقایع تاریخی هم تحقیق و مطالعه شود تا ابعاد وقایع شفاف تر شود. خصلت علت جویی و سوال کردن تا ابد همراه بشر خواهد بود چرا که در غیر این صورت، کمال و پیشرفتی حاصل نخواهد شد. تاسف دیگر از ایجاد انحصار توسط برخی قدرتهای بزرگ در ساحت علم و حتی مخالفت با پیشرفتهای علمی دیگران است. این هم از عجایب عصر ماست که برخی قدرتهای بزرگ نمی خواهند شاهد پیشرفت ملت‌های دیگر باشند و با هزار بهانه، تهمت و فشار سیاسی و اقتصادی، مانع توسعه علمی دیگران می شوند، همه اینها ناشی از دوری آنان از ارزشهای انسانی و اخلاقی و مکتب انبیاء الهی است. آنان برای خدمت به بشریت تربیت نشده اند.

علما و اندیشمندان محترم؛ خلاصه کلام این که علم و معرفت بالاترین هدیه خداوند به بشر است و فطرت کمال طلبی و حق جویی بشر همیشه او را در تکاپوی علم آموزی و

کشف حقایق نگه داشته است. علم باید با اخلاق و تزکیه همراه باشد تا هم عالم و محقق به درستی آن را دریافت کند و هم بشریت به خوبی و به درستی از آن استفاده کند، عالمان پاکیزه نه فقط چراغهای هدایت، بلکه مصلحان بشری نیز هستند. نباید اجازه داده شود قدرتمندان زورگو به ساحت علم دست اندازی کنند، علوم را مصادره و در خدمت مطامع خود علیه بشریت به کار گیرند و یا اینکه عرصه های تحقیق را محصور و محدود کنند. ساخت علم، ساحتی قدسی است که باید پاکیزه بماند، خداوند بر همه حقایق آگاه است و عالم و معلم و محقق را دوست دارد. به امید روزی که عالمان صالح، حاکمان جهان باشند و مصلح کل که عالم الهی و صالح است به همراه مسیح بر جهان حکومت کنند.

و السلام علیکم ورحمه الله و برکاته





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی